

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ادامه بررسی امکان و عدم امکان اخذ قصد قربت در متعلق امر

گذشت که قبل از ورود به مقام دوم از بحث و بیان مقتضای اصل لفظی، شایسته است دو مطلب که در راستای تکمیل بحث فرق میان واجب تعبّدی و توضّلی و بیان امکان اخذ قصد امتثال امر در متعلّق می باشند، مورد توجّه قرار گیرد. مطلب اوّل در باره راهکار های دیگری بود که در جهت دخالت دادن قصد قربت در متعلّق امر مطرح شده است. در این زمینه بیان محقّق عراقی «رحمة الله علیه» به عنوان راهکار اوّل نقل شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در ادامه به بیان راهکار دیگری می پردازیم که در کلام محقّق نائینی «رحمة الله علیه» مطرح شده است.

### بیان محقّق نائینی «رحمة الله علیه»

ایشان راهکار دیگری را به حکایت از میرزای شیرازی «رحمة الله علیه» نقل می نمایند. خلاصه کلام ایشان به بیان ما آن است که می فرمایند: 'اخذ قصد قربت در متعلّق امر به دو صورت قابل تصویر است: اوّل اینکه خود قصد امتثال امر در متعلّق اخذ شود و جزء یا قید متعلّق باشد. در این صورت محاذیری لازم می آید که قبلاً مطرح شد؛ صورت دیگر آنست که عنوان دیگری غیر از عنوان قصد امتثال امر در متعلّق اخذ شود که آن عنوان، ملازم با قصد امتثال امر و یا یکی دیگر از دواعی قریبه ای باشد که مصحّح عبادیت متعلّق امر می شود. مثلاً متعلّق امر در «صلّ» عبارت باشد از ذات حرکات مخصوصه ای که به غرض دنیوی انجام نگیرد و لازمه عدم انجام عمل به غرض دنیوی، آن است که این عمل به غرض الهی انجام گیرد و در این صورت هیچ یک از محاذیر گذشته لازم نمی آید. چون خود قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در متعلّق اخذ نشده است تا گفته شود اخذ چنین قیدی در متعلّق امر قبل از صدور امر، متوقّف بر صدور امر از جانب شارع بوده و مستلزم دور، تقدّم الشیء علی نفسه و سایر محاذیر می باشد. بلکه آنچه در متعلّق امر اخذ شده است، عنوان و قید دیگری است که عبارت است از «عدم انجام ذات فعل به غرض دنیوی»، یعنی متعلّق عبارت است از فعلی که به غرض دنیوی انجام نگیرد. نهایتاً این عنوان ملازم با آن است که متعلّق باید با قصد الهی و تقرّب صادر شود. چون وقتی فعل به غرض دنیوی انجام نگیرد، لا محاله باید به غرض قریبی و الهی انجام بگیرد و همین امر اساس تفاوت واجب تعبّدی و توضّلی را تشکیل می دهد. چون در توضّلی، فعل مقید به عنوان «عدم انجام به غرض دنیوی» که ملازم با عنوان «انجام عمل به غرض قریبی» است، نمی باشد.

۱ - ایشان در اجود التقريرات، جلد ۱، صفحه ۱۱۰ می فرمایند: «إذا عرفت عدم إمكان أخذ داعي القربة في متعلق الأمر فلا بدّ من بیان ما به يمتاز التعبدی عن التوصلی فما قبل أو يمكن ان يقال في تصويره وجوه:

الأول ما حکى عن بعض تقريرات العلامة الشيرازي (قده) و حاصله ان نفس الداعي القربي و أن لم يمكن أخذه في المتعلق بوجه من الوجوه إلا انه يمكن أخذ عنوان في المأمور به يكون ملازماً لأحد الدواعي القربية وجوداً و عدماً فالفرق بالآخرة انما يكون باختلاف المتعلق و الدواعي ملازمة لذلك العنوان المقيد به متعلق الأمر».

خارج اصول، سال چهارم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی

### نقد این بیان توسط محقق نائینی «رحمة الله عليه»<sup>۱</sup>

توضیح نقد ایشان به بیان ما این است که فرض مذکور از دو حال خارج نیست:

یا عنوان «عدم صدور فعل به غرض دنیوی» که فرضاً در متعلّق به صورت جزء و یا قید اخذ شده است، از عنوان «صدور فعل با قصد الهی و قصد قربت به معنای قصد امتثال امر» منفک نمی باشد، به گونه ای که هر یک از این دو عنوان محال است در خارج، جدای از همدیگر تصوّر شوند و یا وجود پیدا کنند. در این صورت نیز لا محاله تمام محاذیر پیشین، به خصوص داعویّة و محرّکيّة الشیء الی نفسه لازم می آید. چون داعویّت امر «صلّ» به فعل بدون غرض دنیوی، جدای از داعویّت آن به فعل با غرض قربی و الهی نیست.

و یا فرضاً، و لو به فرض محال، عنوان «عدم صدور فعل به غرض دنیوی» که جزء متعلّق است، از عنوان «صدور فعل با قصد قربت و قصد امتثال امر» منفک می شود. در این صورت ما یک ذات فعل معنوی به عنوان عدم صدور به غرض دنیوی داریم که فرضاً امر به آن تعلّق گرفته و یک ذات فعل معنوی به عنوان صدور به قصد قربت داریم که فرضاً امر به آن تعلّق نگرفته است.

با توجّه به این مطلب گفته می شود لازمه ادّعای فوق آن است که انجام ذات فعل به همراه عنوان «عدم صدورش به غرض دنیوی»، هر چند بدون عنوان «صدور به قصد قربت»، در امتثال امر کافی بوده و صحیح باشد. چون آنچه را که انجام گرفته است واجد تمام اجزاء و قیود معتبر در متعلّق امر می باشد و به عکس، لازم می آید انجام ذات فعل به همراه عنوان «صدور به قصد قربت» و بدون عنوان «عدم صدور به غرض دنیوی» کافی نبوده و فاسد باشد. چون جزئی از متعلّق که همان عنوان «عدم صدور به غرض دنیوی» باشد، آورده نشده است و این چیزی است که هیچ فقیهی ملتزم به آن نشده است. بلکه همه فقها و اصولیون می پذیرند که چنانچه عمل به قصد قربت انجام گیرد، هر چند عنوان دیگری هم لحاظ نشده باشد، صحیح می باشد، همچنان که می پذیرند اگر عمل بدون قصد قربت انجام گیرد، هر چند عنوان دیگری لحاظ شده باشد، فاسد می باشد.

بنا بر این هیچ یک از این دو راهکار در توجیه دخالت دادن قصد قربت به معنای قصد امتثال امر در متعلّق کارساز نیست لذا یا باید همانطور که اکثر اصولیون قائلند، از دخالت دادن قصد امتثال امر در متعلّق توسط آمر و شارع و ادّعای امکان تقیید متعلّق به قید قصد امتثال امر به صورت جزء یا شرط، دست برداشته و آن را محال بدانیم؛ و یا چنانچه ما قائل شدیم، مدّعی دخالت قصد قربت در متعلّق در واجبات تعبدیّه به صورت جزء و یا شرط شده و از محاذیری که در گذشته مطرح شد پاسخ دهیم.

### «و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

<sup>۱</sup> - ایشان در ادامه می فرمایند: «و فيه ان هذا الوجه و ان كان لطيفاً في نفسه إلا انه يرد عليه انه لو فرضنا و لو محالاً انفكاك ذلك العنوان عن أحد الدواعي و بالعكس فلا بد و ان تكون العبادة صحيحة على الأول دون الثاني، مع انه لا يلتزم به فقيه قطعاً لبداهة صحة العمل مع الداعي القربي قطعاً و ان لم يوجد هناك عنوان أصلاً و فساد مع عدمه و ان وجد ذلك العنوان».